

آزادی فردی و حدود آن در حکومت اسلامی

اشاره :

از روز سه شنبه ۳۱ شهریور ماه تا پنجشنبه دوم مهرماه سال جاری سمیناری در رابطه با مسائل و موضوعات مربوط به حقوق بشر در انستیتوی شرق شناسی وابسته به وزارت امور خارجه آلمان در هامبورگ برگزار شد.

در این سمینار، عده ای از اساتید و صاحب نظران ایرانی و آلمانی شرکت داشتند و دیدگاههای خود را در زمینه های مختلف مرتبط به موضوع بحث از نقطه نظر اسلام و غرب

بیان نمودند از هر دو طرف مقالاتی به جلسه سمینار، ارائه و قرائت می شد و سپس

پیرامون آن بحث و گفتگو صورت می گرفت، سخنرانی و گفتگوها به یکی از سه زبان

فارسی، آلمانی و انگلیسی انجام می گرفت که بوسیله مترجم، هم زمان با ایراد سخنرانی

از زبانی به زبانی دیگر ترجمه می شد.

عناوین کلی بحث عبارت بودند از: ۱- استقلال، آزادی و خود مختاری انسان، ۲-

دموکراسی، سکولاریسم و مذهب، ۳- آزادی فردی و مرزهای آن، ۴- اقلیت ها و حفظ

حقوق آنها، ۵- حقوق بشر و دموکراسی (دعوی جهان شمول بودن حقوق بشر)

سخنرانان و شرکت کنندگان موضوعات بالا را از دیدگاه اسلام و جهان غرب مورد بحث

و بررسی قرار دادند.

از سوی اساتید ایرانی ۸ مقاله به سمینار ارائه و قرائت شد، مقالات و سخنرانی منسجم

آلمانیها کمتر بود ولی در همه مسائل و موضوعات در بحث شرکت نموده و نظرات خود را ابراز می داشتند. صرف نظر از برخی از مسائل و حوادث نامطلوب حاشیه ای سمینار، در مجموع، محفل گفتگوی علمی مفید و پرباری بود، دیدگاههای مختلف به خوبی مورد نقد و بررسی قرار گرفت، نقطه نظرهای اسلام و دیدگاههای دولت اسلامی نیز تشریح و برخی از ابهامات ضمن سؤال و جوابهای صریحی که بعمل آمد روشن شد. تا حدودی نقطه های مشترک و متفاوت دیدگاهها در زمینه حقوق بشر تبیین شد که البته این مقال در مقام گزارش دستاوردهای سمینار نیست.

به هر حال، اینجانب نیز در رابطه با موضوع آزادی فردی و مرزهای آن، مقاله حاضر را که آزادی فردی و مرزهای آن را در یک دولت اسلامی بررسی می کند تهیه و فشرده آن را در جلسه سمینار قرائت کردم و اینک اصل آن از نظر خوانندگان گرامی می گذرد.

مقدمه:

تاریخ بشریت آکنده از مبارزات و درگیریها و تصادمات گروههای مختلف انسانی است. انسان بحکم داشتن طبع اجتماعی، از همان روزهای نخستین خلفت، زندگی فردی را رها کرده و زیستن با دیگر هموعان را پیشه خویش ساخته است. در این زندگی که خود بخود براساس نیاز متقابل و تعاون با یکدیگر پدید آمده است همواره برخوردها و همکاریها وجود داشته است.

انسان، به زودی، احساس و امکان سلطه خود را بر موجودات طبیعت و حیوانات دریافت

و در مقام دستیابی بر آنها و بهره گیری از آنها برآمد، در راه تثبیت سلطه خود و استثمار آنها با مقاومت آگاهانه ای برخورد نکرد بلکه می بایست رموز و فنون نفوذ و سلطه را با بکار انداخت استعداد خود و آگاهی یافتن از قوانین طبیعت و قوای غریزی نهفته در حیوانات که هر دو ثابت و تقریباً لایتغیر هستند کشف کند. قرآن کریم در آیات زیادی بر این حالت تفوق انسان و بودن همه موجودات طبیعت در استخدام او تصریح می کند، مخصوصاً در این زمینه آیات ۵ تا ۱۶ سوره نحل بخوبی گویای این مطلب است.

در همین راستا، و بر اساس همین خلق و خوی بهره گیری از دیگران، آدمی سعی کرده است هموعان خود را نیز به استخدام خویش در آورد و با تحمیل روش خود بر دیگران آنان را برای اهداف خویش به خدمت بگیرد، ولی در این راه بلحاظ اینکه نوع انسان از یک گوهر و در طبیعت انسانی همه از یک پدیده هستند، طبعاً با مقاومت روبرو شده و درگیریها و برخوردها و جنگها از همین جا نشأت گرفته است، صلاح اندیشی ها و راهنمایی ها و دعوتهای مردان الهی و مصلحین اجتماعی نیز تا حدود زیادی برای جلوگیری از طغیان این خاصیت انسانی و تعدیل آن و توجه دادن او به حفظ حرمت ذاتی فرد انسان است.

قطع نظر از بحثهای پیچیده فلسفی که در مورد اصل آزادی و اختیار انسان وجود دارد و مباحثات فراوانی که بین طرفداران جبر و تفویض و نیز مادیون معتقد به جبر و دترمینسیم (Determinism) مطرح است، اجمالاً می توان گفت انسان احساس می کند در

وجودش دارای قدرت گزینش است و در مورد اعمال و رفتار و کردار و گفتار می تواند انتخاب کند و اختیار انجام یا عدم انجام کاری را دارد. و حتی بر گزینش کاری که انجام داده و رویه ای را که پیش گرفته است مورد مدح یا ذم قرار می گیرد.

صرف نظر از عوامل مختلفی که ممکن است در گزینش انسان دخالت داشته باشند، بطور ساده، انسان، این احساس را دارد که می خواهد در مورد عقاید و اعمال و رفتار و گفتارش، خود تصمیم بگیرد و عمل کند و مجبور باطاعات از دیگری نباشد. نفس داشتن این احساس واصل وجود چنین زمینه ای در انسان، ارزش دارد و اقلای یکی از وجوه تمایز انسان از موجودات دیگر می باشد.

موضوع قابل توجه، این است که انسان تا چه حد می تواند از این آزادی یعنی از این حق انتخاب و گزینشی که دارد برخوردار گردد و در چه حدی استفاده از آن به نفع اوست و محدوده این برخورداری از آزادی در رابطه با دیگران و در مقام تعارض با آنها چیست؟ و دیدگاه اسلام و برخورد حکومت اسلامی با این قضیه چگونه می باشد؟ در این نوشته فشرده سعی بر این است که نظری اجمالی بر دیدگاه اسلامی و نوع برخورد حکومت اسلامی با آزادی فردی داشته باشیم.

مفهوم آزادی فردی

همانگونه که در مقدمه یادآور شدیم، در مفهوم حقوقی و سیاسی، آزادی فردی یعنی داشتن حق و اختیار و مستقل و مختار بودن شخص در گزینش اعمال و رفتار خود می باشد

آزادی سیاسی در این معنی بطور ساده عبارت است از قلمروئی که در داخل آن ، شخص می تواند کاری را که می خواهد انجام دهد و دیگران نتوانند مانع کار او شوند. و محدوده اعمال این حق نیز تا جایی است که به آزادی دیگران صدمه نزند .

در قدیم ترین اعلامیه منسجم حقوق بشر یعنی اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۲۶ اوت ۱۷۸۹ فرانسه آمده است که : « آزادی ، عبارت از قدرت انجام هر گونه عملی است که به دیگری صدمه نزند ، لذا محدوده اعمال حقوق طبیعی هوانسان فقط تا آنجاست که استفاده از همین حقوق طبیعی را برای سایر اعضای جامعه تضمین کند این محدودیتها فقط به وسیله قانون معین می شوند .» ۱.

آزادی های فردی عمدتاً شامل حق زندگی ، آزادی رفت و آمد و اختیار مسکن ، مصونیت خانه و مسکن ، مصونیت و یا امنیت شخصی ، مصونیت مکاتبات ، مکالمات تلفنی ، مخابرات تلگرافی و اسرار شخصی ، آزادی در زندگی داخلی و خصوصی و آزادی فکر، عقیده ، مذهب و بیان می باشد . ۲.

لزوم حفظ و رعایت این آزادیها در مواد مختلف اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تأکید و تصریح قرار گرفته است . میثاقهای بین المللی از جمله میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز دولتهای عضو را به اجرای آنها متعهد نموده است .

آزادی انسان از دیدگاه اسلام

از دیدگاه اسلام ، تمام انسانها از نقطه نظر ذات انسانی برابرنند همه از شرافت و کرامت

انسانی برخوردارند انسان موجودی است شریف و برتر از سایر موجودات و در اصل این

کرامت و فضیلت همه یکسانند ، بنابراین هیچ کس ذاتاً برده به دنیا نمی آید ، قرآن با

لحنی عام و یکنواخت در مورد نوع بشر می فرماید : ولقد کرّمنا بنی آدم و حملنا هم فی

البر و البحر و رزقنا هم من الطیبات و فضلنا هم علی کثیر من خلقنا تفضیلاً (اسراء آیه ۷۰)

.(

بنی آدم را کرامت دادیم و آنها را بر خشکی و دریا مسلط نمودیم و از چیزهای پاکیزه

روزی آنها دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود آنها را برتری دادیم .

صرف ویژگی اختیار و داشتن حق گزینش را ، قرآن برای انسان به رسمیت می شناسد و

همین را البته دلیل مسئول بودن او می داند . وقتی می گوید : ما راه را به انسان نمایانیم یا

سیاسگزار است و رهنمون می شود و یا ناسپاس است و به بیراهه می رود (انا هدیناه

السبیل اما شاکراً و اما کفورا) (سوره انسان آیه ۳) معنایش این است که در وجود انسان

این آزادی یعنی حق گزینش وجود دارد و می تواند بین دو چیز یکی را انتخاب کند .

محدوده آزادی فردی از دید اسلام ، علاوه بر حفظ آزادی دیگران و مصالح جامعه ،

مصلحت و سلامت و رستگاری خود شخص نیز هست . اسلام یک سلسله مفاهیم روشن و

مشخص را برای سعادت افراد و جامعه بشری ترسیم نموده و مردم را به پذیرش و عمل

کردن به آنها دعوت کرده است : توحید و یکتا پرستی ، عدالت ، احسان ، راستگویی ،

پاکدامنی ، خودداری از شرک و ظلم ، نیرنگ و تجاوز به مال و جان مردم از جمله مفاهیم

روشنی هستند که اسلام آنها را تبلیغ نموده و مردم را به پذیرش و عمل به آنها دعوت می نماید و تخلف از آنها را مورد تقیح قرار می دهد .

انسان در ذات خود آزاد است یعنی نسبت به موجودات دیگر این امتیاز را دارد که می تواند بین خوبیها و بدیها یکی را انتخاب نماید ولی همواره این آزادی به سوی انتخاب خوبیها هدایت می شود و انسان مسئول است که از بدیها دوری جوید و به خوبیها روی آورد ، حتی اگر ترک این خوبی و با ارتکاب آن بدی ، به کسی لطمه ای وارد نسازد و مخل آزادی دیگری نباشد. اسلام ، آزادی انسان را تنها محدود به عدم دخالت دیگران در کار او و گزینش او نمیداند بلکه آزادی از اوهام و خرافات و هواهای نفسانی و عادات و رسوم غلط را نیز شرط استقرار آزادی می داند . از آنها به عنوان قید و بندهایی یاد میکند که آزادی را از انسان سلب می کنند و بشر باید در گسستن آنها و آزاد کردن خود بکوشد .

قرآن کریم در مورد دعوت پیامبر اسلام (ص) و فراخواندن او مردم را به توحید و ایمان بخدا و متصف شدن به صفات نیک و دوری جستن از شرک و صفات رذیله و سنتهای غلط ، بعنوان کسی که می خواهد بار سنگینی را از دوش انسان بردارد و بندهای گران را از دست و پای او بگسلد و او را آزاد کند ، نام می برد : « ... پیامبری که مردم را به نیکی دعوت می کند و از زشتی نهی می کند، چیزهای پاکیزه را بر آنها حلال و پلیدیها را بر آنها حرام می کند ، بار گران آن را از دوش آنها به زمین می نهد و بندها را از آنها می

گسلد ، پس آنان که به او ایمان آوردند او را بزرگ داشتند و یاریش کردند و چراغ هدایت او را فرا راه خود داشتند رستگارند .» (... یا مرهم بالمعروف وینهیهم عن المنکر و یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث و بضع عنهم اصرهم و الاغلال الی کانت علیهم فالذین آمنوا و عزروه و نصروه و اتبعوا النور الذی انزل معه اولئک هم المفلحون - سوره اعراف آیه ۱۵۷) .

در منطق اسلام ، انسان آزاده آن است که از بردگی انسانهای دیگر رها و از بندگی خواستها و امیال حیوانی خویش نیز آزاد باشد ، آنکه نمی تواند بر امیال و هواهای نفسانی خویش غالب آید، او نیز آزاد نیست بلکه بنده و برده ای است که با پیروی از هوای نفس به گمراهی و هلاکت کشیده می شود : «افرأیت من اتخذ الهه هواه و اضله الله علی علم و ختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غشاوه فممن ینهدیه من بعد الله افلا تذکرون - سوره جائیه آیه ۲۳» .

اسلام ، بندگی خدا را برای انسان موجب کمال او میداند و در واقع آزادگی و آزادی او را از قید بندگی دیگران مرهون بندگی خداوند می داند ، به تعبیر دیگر می توان گفت از نظر اسلام ، انسان آزاد نیست که خود را از قید بندگی خدا رها سازد ، بلکه هدف از خلقت انسان را عبودیت خداوند می شمارد (و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون - سوره والذاریات آیه ۵۶) .

ماده ۱۱ اعلامیه اسلامی حقوق بشر (اعلامیه قاهره) مقرر می دارد : « ... انسان آزاده

متولد می شود و هیچ احدی حق به بردگی کشیدن یا ذلیل کردن یا مقهور کردن یا بهره کشیدن یا به بندگی کشیدن او را ندارد مگر خدای متعال ...» قرآن کریم با شیوه های گوناگون پند و اندرز و ترغیب و تشویق به تفکر و تدبر و رجوع به فطرت و تهدید به انواع عذابهای اخروی و احیاناً فرجام بد در زندگی دنیوی، انسانها را به بندگی خدا و دوری جستن از شرک و بدیها دعوت می کند و در واقع از انسان آزاد مختار می خواهد که در گزینش خویش مسئولانه برخورد کند و عقیده صحیح، رفتار صحیح و گفتار را برگزیند پس انسان، آزاد است ولی اعمال این آزادی علاوه بر اینکه نباید با آزادی دیگران و مصالح آنها مغایرت داشته باشد با خط روشنی که خداوند برای خود فرد نیز ترسیم کرده و آن هم چیزی جز سعادت و کمال او نیست نباید مغایر باشد، پس انسان در انتخاب شرک و بت پرستی، دروغ گویی، شرب خمر، خودکشی و امثال این اعمال و صفات رذیله آزاد نیست هرچند مخل حقوق دیگران و نظم جامعه نباشد.

آزادی فردی در حکومت اسلامی

حکومت اسلامی یعنی ترتیب اداره و تدبیر جامعه بر مبنای اصول و بینشهای دین اسلام نیز طبعاً همین مفاهیمی را که در بینش اسلامی در مورد آزادی انسان وجود دارد مبنای کار خود قرار می دهد و براین روال سعی میکند آزادی انتخاب فرد را به راه صحیح هدایت نماید. ولی از بعد اعمال حکومت، باید توجه داشت که آزادی فردی در یک حکومت اسلامی بطور چشمگیری رعایت می شود و جز در مواردی که اعمال آزادی فردی به

آزادی دیگران یا مصالح و نظم جامعه خلل وارد نماید، حکومت، حق مداخله در امور افراد و محدود کردن آزادی آنها ندارد.

در این زمینه می توان آزادیهای فردی و حدود آن را در ارتباط با حکومت اسلامی به سه دسته تقسیم کرد:

۱- آزادی اعمال و رفتار خصوصی افراد

۲- آزادی اعمال و رفتار اجتماعی انسان

۳- آزادی عقیده و مذهب - که هر چند میتواند داخل در یکی از دو شق اول باشد ولی بلحاظ اهمیتی که دارد آن را جداگانه ذکر کردیم.

۱- آزادی اعمال و رفتار خصوصی افراد:

در مورد شق یک علی الاصول حکومت اسلامی دخالتی ندارد و شخص در اعمال اراده خود کاملاً آزاد و مستقل است هر چند عملی را که انجام می دهد قبیح و ناپسند باشد و اسلام به عنوان دین آن را تقبیح نموده و برای مرتکب آن وعده عذاب و کیفر اخروی داده است ولی اسلام بعنوان حکومت، کاری به او ندارد.

در مورد اینگونه اعمال و رفتار، اسلام اجازه تفتیش و بازرسی و پیگیری را نمی دهد.

انسان در داخل خانه خود و در اعمال شخصی خویش آزاد است امنیت دارد و مصون از بازرسی و تفتیش و تعقیب است.

قرآن کریم در سوره نور صریحاً از ورود در خانه دیگران بدون اجازه صاحب خانه منع می

کند (یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حت تستانسوا و تسلموا علی اهلها ذالکم خیر لکم لعلکم تذکرون ، فان لم تجدوا فیها احد افلا تدخلوها حتی یؤذن لکم و ان قیل لکم ارجعوا فارجعوا هواز کی لکم والله بما تعلمون علیم آیات ۲۸ و ۲۹) و در سوره حجرات از گمان بد بردن و تجسس و عیب جوئی دیگران نهی می کند :

(یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا و لا یغتب بعضکم بعضا ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتافکر هتموه و اتقوا الله ان الله تواب رحیم - آیه ۱۳) .

ماده ۱۸ اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز مقرر می دارد : « ... ب- هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (در مسکن و خانواده و مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او یا مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هر گونه دخالت زورگویانه در این شئون حمایت شود .

ج- مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن یا بصورت غیر مشروع وارد آن شد و نباید آن را خراب یا مصادره کرد یا ساکنینش را آواره نمود . »

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز که دین اسلام و مقررات آن را بعنوان زیر بنای اصول خود اعلام کرده است در اصل ۱۲۲ به مصون بودن جان، مال، حقوق ، مسکن و شغل اشخاص از تعرض تصریح و در اصل ۲۲۳ صریحاً تفتیش عقاید را ممنوع و در اصل ۱۲۵ بازرسی نامه ها و ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی و افشای مخابرات تلگرافی و

استراق سمع و هرگونه تجسس را غیر مجاز اعلام مینماید .

در زمینه اعمال شخصی و خصوصی افراد تا جائیکه مربوط به خود شخص می شود حتی

اگر مرتکب عمل ممنوع گناهی شود تا انعکاس اجتماعی پیدا نکرده و جامعه در معرض

آسیب دیدن از آن قرار نگرفته است ، حکومت وظیفه ای در افشاء واثبات آن و مجازات

عامل آن را ندارد ، بلکه باید از تجسس و کشف موضوع خودداری کند ، بنابراین اگر

کسی در منزل خود اعمال شرک آمیز انجام داد و واجبات دینی را ترک کرد و مرتکب

محرمات شد از دید حکومت اسلامی ، نباید مورد تعقیب قرار داد و در مقام تفتیش و

جستجو برای اثبات آن برآمد ۲.

یعنی در اینجا اعمال مقررات کیفری دنیوی بر چنین شخصی مورد ندارد ، البته ارشاد و

موعظه و یادآوری ثواب و عقاب الهی جای خود دارد .

اسلام آن قدر برای حرمت اشخاص و عدم دخالت در اعمال خصوصی افراد اهمیت می

دهد که حتی در صورت ظن و گمان و بروز برخی قرائن بر ارتکاب عمل منافی عفت ،

کسانی که نسبت انجام عمل خلافی را به کسی می دهند سخت مورد نکوهش قرار میدهد

و خطاب به آنان می گوید شما این امر را آسان و سبک می شمیرید در حالیکه در نزد

خداوند مطلب بسیار بزرگ و مهم است : (اذ تلقونه بالستکم و تقولون بافواهکم مالیس

لکم به علم و تحسبونه هینا وهو عندالله عظیم ولولا اذ سمعتموه قلت مایکنون لنا ان نتکلم

بهذا سبحانک هذا بهتان عظیم . سوره نور و آیه ۱۶ و ۱۷).

سراسر آیات قرآن را که بررسی کنیم با همه وعده هائی که برای بدکاران به عذاب و نعمت الهی داده شده است ، مجازات دنیوی که از سوی حکومت اسلامی باید اعمال شود برای گناهان شخصی پیش بینی نشده است .

۲- آزادی اعمال و رفتار اجتماعی انسان :

در مورد اینگونه اعمال و رفتار، اسلام نیز در بعد اعمال حکومت تقریباً همانند آنچه در اعلامیه های حقوق بشر آمده است عمل می کند یعنی معتقد به آزادی انسان هست و به او اختیار گزینش می دهد ولی این آزادی تا جایی است که به حقوق دیگران ، آزادی دیگران، نظم عمومی و مصالح جامعه لطمه وارد نسازد، بنابراین انسان آزادی شغل و کسب و کار، رفت و آمد ، اقامت در محلی که می خواهد، آزادی قلم و بیان و تشکیل انجمن و اجتماعات را دارد ولی در اعمال این حقوق باید مراعات حقوق دیگران را بنماید و هر جا خواست تجاوز به حقوق دیگران بکند آزادی محدود می شود و برای تخلف از آن علاوه بر پیش بینی کیفر اخروی، مجازات و ضمانت اجرای دنیوی که حکومت مباشر اعمال آن است پیش بینی شده است .

چنانچه برای قتل نفس، سرقت و ایجاد رعب و حراس و فتنه و فساد در بین مردم که به محاربه ۱ با خدا و رسول تعبیر شده است مجازات تعیین شده ، و در واقع حکومت اسلامی باید با این اعمال برخورد کند و جلوی تجاوز به حقوق مردم و جامعه از سوی افراد را بگیرد .

در مورد آزادی بیان و اظهار نظر، اسلام، بطور معقول و منطقی، به آن احترام می گذارد و آماده پذیرش و شنیدن اظهار نظر و هرگونه انتقاد هست و مخصوصاً یکی از صفات خوب بندگان خود را این می داند که حرفها را می شنوند و بهترین آنها را انتخاب می کنند (فیشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه - سوره زمر آیه ۲۰) لازمه این امر این است که در جامعه آزادی بیان وجود داشته باشد و مردم بتوانند حرفهای گوناگون بزنند تا بتوان از میان آنها بهترین را انتخاب کرد. ولی وقتی این آزادی بیان بگونه ای روشن همراه با غرض و برای لطمه زدن به کیان جامعه اسلامی و ایجاد بیم و ترس در میان مردم باشد آزادی بیان محدود می شود و حکومت اسلامی با آن برخورد می کند، بدین ترتیب است که قرآن کریم در مورد منافقین شایعه ساز و دروغگو آنها را به برخورد شدید حکومت تهدید می کنند. آیات ۶۱ و ۶۲ سوره احزاب را در این خصوص بنگرید:

« لئن لم نیثته المنافقون والذین فی قلوبهم مرض والمرجفون فی المدینه لنغرینک بهم ثم لا یجاورونک فیها الا قلیلا معلونین اینما ثقفوا اخذوا وقتلوا تفتیلا. »

براساس همین برداشت در مورد آزادی و اعمال و رفتار اجتماعی انسان ماده ۱۳ اعلامیه اسلامی حقوق بشر می گوید:

« ... هر انسانی آزادی انتخاب کار شایسته را دارد بگونه ای که هم مصلحت خود و هم مصلحت جامعه برآورده شود ... » و ماده ۱۴ می گوید: « انسان حق دارد، کسب مشروع بکند بدون احتکار و فریب یا زیان رساندن به خود یا دیگران ... » و ماده ۲۲ مقرر می

دارد: الف. «هر انسانی حق دارد نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد آزادانه بیان دارد».

ب. هر انسانی حق دارد برای خیر و نهی از منکر بر طبق ضوابط اسلامی دعوت کند.

ج. تبلیغات یک ضرورت حیاتی برای جامعه است و سوء استفاده و سوء استعمال آن و

حمله به مقدسات و کرامت انبیاء یا بکارگیری هر چیزی که منجر به ایجاد اخلاق در

ارزشها یا متشت شدن جامعه یا زیان یا متلاشی شدن اعتقاد شود ممنوع است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول ۲۴، ۲۸، ۲۷، ۴۰ آزادی بیان و قلم

و تشکیل اجتماعات و انجمنها و آزادی شغل را در حدی که منافی حقوق جامعه و مبانی

اسلام و مخل آزادی و حقوق دیگران نباشد مورد تأیید قرار داده است ۱.

۳- آزادی عقیده و مذهب:

اسلام مکتب آزاد فکری و آزاد اندیشی است آیات فراوانی از قرآن کریم، مردم را به

تفکر و اندیشه و گزینش عقیده صحیح می خواند، شاید بیش از ۳۰۰ آیه در قرآن، مردم

را به تفکر، تعقل و تذکر دعوت می کند و یا به پیامبر (ص) تلقین می کند که برای اثبات

حق یا ابطال باطل حجت و دلیل بیاورد و یا شیوه انبیاء را در احتجاج و استدلال نقل می

کند و یا تعصب و تقلید کورکورانه و بی منطق بودن کفار را تقبیح می کند و یا کسانی را

که با تفکر و اندیشه و دلیل و برهان، حرف حق را پذیرفتند و ایمان آوردند می ستایند ۲.

اسلام، عقیده صحیح را، دین توحید و اعتقاد به مبدأ و معاد می داند و انسان را به گزینش

این عقیده سوق می دهد و هدایت می کند و از لحاظ فردی هر شخص را نزد خداوند مسئول می داند که برای کشف حقیقت و پیدا کردن عقیده صحیح توحیدی تلاش کند و از شرک و کفر دوری جوید ولی در عین حال ، اجبار واکراه را در دین نفی می کند ، تمام کوشش بر این است که دین حق با برهان و دلیل برای انسان تبیین شود و آنوقت او آزاد است که آنرا انتخاب کند یا باز هم از پذیرش آن سرباز زند و در گمراهی بماند یعنی خویشتن را در مرحله پست فکری نگه دارد و از فضیلت عبودیت حق محروم گرداند و مستجب عذاب الهی گردد : « لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی فمن یکفر بالطاغوت و یومن بالله فقد استمسک بالعروه الوثقی لا انفصام لها والله سمیع علیم - سوره بقره آیه ۲۵۶ » (قد جائکم بصائر من ربکم فمن ابصر فلنفسه و من عمی فعلیها و ما انا علیکم بحفیظ - سوره انعام آیه ۱۰۵).

آنچه در مورد برخورد با کفار و مشرکین در قرآن کریم آمده است در رابطه با موضع گیری آنها و توطئه آنها علیه اسلام و مسلمین و خیانت و عهد شکنی آنان است .

اصولاً اگر سیری در آیات قرآنی بکنیم خواهیم دید هر جا مجازات و کیفر دنیوی پیش بینی شده که وسیله حکومت اسلامی باید اجرا گردد، صرفاً در برابر اعمال و رفتار اقدامات مخالف نظام اسلامی یا گفتارها و فتنه انگیزیهایی که نظم جامعه را بر هم میزند یا ارتکاب اعمالی که برای همه جرم و خلاف شناخته شده ، می باشد . اعتقادات خلاف اسلام و شرک آمیز هر چند که بسیار تقبیح قرار گرفته ولی درباره آنها مجازات قانونی که

بوسیله دستگاه حاکم اعمال شود پیش بینی نشده ۱۱ اگر چه درباره کفار همواره از عذاب اخروی و عقوبت الهی و محروم ماندن از سعادت جاوید سخن رفته است .
در آیات ۹ و ۱۰ سوره ممتحنه خطاب به مسلمانها آمده است : « خداوند شما را از احسان و نیکی و اجرای قسط و عدالت نسبت به کفاری که با شما برسر دینتان نجنگیدند و شما را از سرزمینتان بیرون نکردند ، نهی نمی کند بلکه او مجریان قسط و عدل را دوست دارد .
همانا خداوند شما را از برقراری دوستی و رابطه مودت با کفاری که با شما برسر دین پیکار کردند و شما را از سرزمین خودتان بیرون راندند و یا بر اخراج شما کمکی کردند ، نهی می کند .

اینکه برخی از مفسرین گفته اند این آیه منصرف و به کفار معاهد و اهل ذمه است او همه مشرکین را شامل نمی شود معلوم نیست منطبق با واقع باشد، ظاهر این است که آیه فوق بطور کلی در مورد تمام کفار صادق است .

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با همین برداشت از آیه مزبور، پس از آنکه در اصل

سیزدهم، ادیان دارای ریشه آسمانی یعنی کلیمی، مسیحی و زرتشتی را به رسمیت

میشناسد. در مورد دیگر فرق کفار ونحوه رفتار با آنها در اصل ۱۴ می گوید : « بحکم آیه

شریفه : لاینهکم الله عن الدین لم یقاتلوکم فی الدین ولم یخرجوکم من دیارکم ان

تیروهم وتقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین » دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان

موظف نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نماید و

حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که برضد اسلام و

جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند. ۲.

فقیه بزرگ اسلام، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) نیز در

سئوالی که از ایشان در مورد وضع کفار غیر اهل کتاب شده بود پاسخ فرمودند: همه کفار

که در پناه حکومت اسلامی زندگی می کنند جان و مالشان محفوظ است ۱.

نتیجه: از آنچه گفته شد می توان بطور خلاصه چنین نتیجه گیری کرد که از نظر اسلام،

انسان ذاتاً موجودی است شریف و دارای کرامت انسانی و برخوردار از نعمت آزادی و

حق انتخاب. ولی همراه با این خاصیت آزادی و اختیار مسئول نیز هست و باید عقیده

توحیدی صحیح و رفتار و کرداری درست که آنگونه که فطرت پاک انسانی و تعلیمات

انبیاء الهی او را راهنمایی می کند انتخاب نماید در عین حال، اسلام در مقام اعمال

حکومت در اعمال و رفتار خصوصی اشخاص محدودیتی قائل نیست و هرگونه تفتیش و

تجسس و دخالت در این زمینه را منع می کند، جز ایمان باطنی و وجدان خداجوی

هر کس که ممکن است، اعمال فردی او را کنترل کند، انسان از هرگونه تعرضی مصون

است و می تواند احساس امنیت کامل کند. ۲.

در زمینه اعمال و رفتار اجتماعی افراد نیز حکومت اسلامی، نه تنها مانع اعمال این آزادیها

نیست بلکه مشوق آزادیهای مزبور نیز هست آزادی شغل و کسب و کار، آزادی بیان و

قلم و شرکت در اداره امور کشور و انتخاب شیوه بهتر برای اداره جامعه، مورد حمایت

اسلام است و یک حکومت مبتنی بر ئیدولوژی اسلامی باید آنها را رعایت کنند ۳ قرآن مجید ، مسلمانها را به صفت ممتاز شوارئی بودن کارشان میستاید : (وامرهم شوری بینهم سوره شوری آیه ۳۸) و به پیامبر اسلام امر می کند که در کارها با مردم مشورت کند : (و شاورهم فی الامر - سوره آل عمران آیه ۱۵۴) و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که با بینش اسلامی تنظیم شده در اصل ۶ مقرر می دارد : « در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود ... » و اصل هفتم می گوید : « طبق دستور قرآن کریم : (وامرهم شوری بینهم) و (شاورهم فی الامر) شوراها : مجلس شورای اسلامی ، شورای استان ، شهرستان ، شهر ، محل ، بخش ، روستا و نظائر اینها از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشورند ... » .

استفاده از این آزادیها تا جایی است که به حقوق دیگران یا مصالح و نظم عمومی خلل وارد نیآورد که در این صورت در حق ضرورت تبعاً به حکم مقررات قانونی محدودیتهایی برقرار می شود .

در پایان مایلیم نگرانی خود را از وضع اسف بار حاکم بر دنیای کنونی در خصوص نقض اولی ترین و اساسی ترین حقوق انسانی با همه بحثهای داغی که تحت عنوان حقوق بشر انجام می گیرد ، ابراز دارم ، این همه کشتار و شکنجه و آوارگی برای مردم که طالب حقوق اولیه خود هستند در مناطق مختلف جهان چون فلسطین اشغالی و آفریقای جنوبی و لبنان و کشمیر و میان مار (برمه) ، و جاهای دیگر لکه ننگی است بر پیشانی بشریت

متمدن امروز ، جنایات بی سابقه اخیر صربها در نسل کشی مسلمانان در قلب اروپای
متمدن و سردمدار آزادی و عدم واکنش جدی و بلکه بی تفاوتی مجامع و کشورهای
منادی و مدافع آزادی و رعایت حقوق بشر دل هر انسان آزاده ای را به درد می آورد و
صداقت و حدیث طرفداران بحث پرغوغای سالهای اخیر حقوق بشر بطور جدی زیر
سؤال می برد . بنگرید به سخن یک رهبر اسلامی (علی ابن ابیطالب) (ع) در چهارده قرن
پیش وقتی مطلع می شود که یکی از فرماندهان ستمگر معاویه به ناحیه ای یورش برده و
ضمن قتل و کشتار و غارت مردم ، یک زن غیر مسلمان ذمی را نیز مورد تعرض قرار داده
و ضمن ضرب و شتم او ، زر و زیور او را به زور برده اند ، خطاب به مردم و سپاهیانش می
گوید : چرا برای دفع ظلم این ستمگران و دفاع از مظلومین تجهیز نمی شوید و به جنگ
نمی پردازید و می گوید اگر انسان از شنیدن چنین ظلمی از غصه بمیرد جا دارد ؟
و حال مقایسه کنید آن را با واکنش و سخن رهبر پیشرفته ترین کشور جهان در پایان قرن
بیستم در مورد درخواست دخالت و اقدام جدی جهت جلوگیری از اقدام فجایع و مظالم
کم نظیر صربها نسبت به مسلمانان بوسنی و هرزگوین چنان که خبرگزاری ها از قول او
نقل کردند گفته است چون منافع آمریکا در بوسنی هرزگوین در خطر نیست و یا آمریکا
منفعی در آنجا ندارد مداخله آمریکا لزومی ندارد . اوج انسانیت و احساس بشر دوستی را
در آن دوران تاریک تاریخ در سخنان علی ابن ابیطالب پیشوای مسلمین و نهایت سقوط

اخلاقی و انحطاط انسانیت و روح نوع دوستی را در این دوران طلایی تاریخ از زبان

پرادعاترین مدافعین حقوق بشر بنگرید . فاعتبروا یا اولی الابصار .